

تربیت‌های دشوار!

✦ دست‌اندازهای تربیتی

✦ تربیت تحمیلی

✦ عصیان و سرکشی

تربیت انسان‌کار دشواری است. انسان خود، موجود ناشناخته و رمزوی است که بسیاری از روحیات او کاملاً بدست نیامده است روی همین اصل، مسائل تربیتی بسی بفرنج و پیچیده است عدنان زکودکان و جوانان اجتماع ما، در اثر برخورداری نبودن از پدر، و مراقب دلسوز و چار انحراف میگردند، ولی عدم فداي تربیت‌های غلط و نارسای اولیاء خود شده، بشاد و تباهی می‌افتند، و این پدران و مادران هستند که بر اثر اشتباهات تربیتی، بدست خویش جگر گوشه‌گان خود را بسقوط و امیدارند.

تربیت یکتوع و ورزش و تمرین روحی است.

بدون تردید ورزش برای سلامت بدن و پرورش آن سید عیب‌اشد ولی با همه اینها بسیاری از افراد، در انتخاب ورزش متناسب، دچار اشتباه شده، پس از گذشت سالیان درازی درمی‌یابند که نوع ورزشی را که برای خود برگزیده‌اند، بحال آنان مفید نبوده، بلکه زیان‌هایی هم داشته است. نکته اساسی اینست که هر کس باید سعی کند، با در نظر گرفتن تناسب جسمی و روحی، ورزشی که برای او نافع است انتخاب کند، نه اینکه این انتخاب بر اساس هوی و هوس باشد.

انتخاب نحوه تربیت هم، کار دشواری است، و نمیتوان عجل‌ولانه درباره آن نفی و اثبات کرد تمام افراد انسان دارای اشکال گوناگونی هستند از نظر خصوصیات سوئی و منفی و نمیتوان یافت که از هر حیث مانند یکدیگر باشند، این اختلاف، در جنبه‌های روحی هم مراتب شدیدتری می‌باشد، لذا هر فردی نیازمند یکتوع تربیت خاص می‌باشد، همان‌طور که هر مرضی دوائی خاص داشته، و هر فردی برای دارای نسخه معینی است، تعلیم و تربیت هر کس هم مشخص بوده و باید بر آن مغایرت ندارد.

چون در مسلم پدران و مادرانی که در اثر اشتباهات تربیتی، فرزندان خود را به بدبختی

گرفتار نموده اند ، باسول کلی تعلیم و تربیت ایمان داشته و دلشان میخواست که دارای فرزندان برومندی باشند ولی اشتباه آنان در پیاده کردن آن اصول کلی بر جزئیات بوده است آشنا بودن به کلیات در هر موضوع و جریانی چندان حائز اهمیت نمیباشد ، بلکه ابتکار هر هون انطباق کلی بر مورد جزئی است و اینکار نیازمند هوش و فراست و دور اندیشی است پیروزیها و شکستها بر محور این موضوع دور میزند .

شاید نتوانیم فردی را پیدا کنیم که اصل اساسی تربیت را ابتکار نماید ، ساده ترین افراد که در محیطهای نامساعد زندگی می کنند با این اصل کلی ایمان دارند ، ولی دشواری در انتخاب نحوه تربیت لازم است .

بنابراین پدران و مادران در تربیت فرزندان خود ، دارای دو هدف ممتاز می - باشند ، اولین هدف هر پدر و مادر اینست که فرزندش از نظر روحی و جسمی فردی سالم و شاداب با درآمد ، دارای سوابق اجتماعی بوده ، در زندگی فردی کامیاب و پیروز باشد ، این هدف معدوم است ، ولی دومین هدف پدران و مادران که ممکن است در برخی از اولیاء بیشتر وجود داشته باشد ، اینست که بر اساس تربیت تحمیلی میخواستند ، فرزندان شان همانطور که آنها میل دارند بار آیند بدون اینکه امکانات و استعداد های فرزندان را در نظر گرفته باشند .

و حال آنکه ، تربیت صحیح و اصولی آنست که بر اساس آمادگی و استعداد جوان پی ریزی شده ، باشد باید دید ذوق و استعداد او برای چه کاری آماده گی بیشتری دارد همانرا باو پیشنهاد کرد ، نه آنچه را که ما خود در نظر گرفتیم .

چه بسیارند پدران و مادرانی که بر اساس منطق های نادرست ، فرزندان خود را بکاری واداشته اند که کمترین عشق و علاقه بدان کار را ندارند ، پدری فرزندش را برای رشته ای بکار خارجه میفرستد ، با اینکه آن دانشجو بدان رشته علاقه نداشته است در نتیجه پس از شکست در امتحانات چون احساس نارسائی می نمود بخود کسی دست میزد .

کار تحمیل عقیده در برخی از خانواده آتیجان توسعه دارد ، که اولاد دختر و پسر علاوه بر اینکه در نوع تربیت و تحصیل گرفتار تحمیلاتی هستند اولاد تشکیل خانواده و انتخاب همسر بطور دلخواه اولیاء انجام می گیرد ، بدون اینکه کمترین توجهی به امکانات روحی و علاقه آنان شده باشد ، بدون تردید این نوع تحمیلات در روح دختران و پسران عقده هایی را بوجود می آورد ، و بسرو زمان این عقده گسترش می یابد ، و بطور مسلم بالاخره روزی عقده ها منفرجه شده عکس العمل های حاد و زننده ظهور و بروز خواهد کرد ، فرار از خانه ، خودکشی ها و سایر ای

عقده ای همه معلول تربیت های تحمیلی است بسیاری از جوانان از تحمیلات حادی که پدران آنان از نگر دینی بر ایشان بیجوده می آورند ، عقده هایی بدل گرفته پس از زمانی همه چیز را انکار نموده افرادی لایق میگردند .

بزرگترین مسئولیت پدران اینست که در درجه اول ، استعداد و نیروی فرزندان را نتجیده سعی می کنند مطابق ذوق و علاقه آنان ، در ارضائی و تربیت فرزندان خود کوشش نمایند ، و از هر نوع اجبار و زوری اجتناب نمایند و در مسائل دینی هم با نرمش و ملایمت با او رفتار نمایند ، تا بتدریج انگیزه ایمان در کودک و شد کرده بطور خود جوشی بدستورات دینی اقدام نماید ، و الا بااد و تهدید تا مدت کوتاهی می توان جوان را برای داد اند کرد ، و پس از مدتی بر اساس عقده های متر اکم آنده و روش را تغییر خواهد داد ، امام محمد باقر علیه السلام میفرماید رسول خدا فرمود : ان هذا الدین منین فاولو اقیه برفق ولا تکرهوا عباد الله الی عبادة الله فتکونوا الی الی الی المنبت الذی لا سقرا قطع ولا ظهیر البقی (۱) یعنی اساس و شالوده دین اسلام بر حرمانت استوار شده است پرستش و عبادت را بر بندگان شادی تحمیل نتائید تا همانا شاداب سواری نباشید که در اثر شتاب زده گی که بیقتدر سیده و مرکب را هم از دست داد است بلکه از طرق صحیح و منتهی باید اقدام را بیاد خدا داشت .

بسیاری از پدران بطور ناگاه میخواستند فرزندان هما نظوری باشد که آنها آنرا می - پسندند و حال آنکه باید آن نظوری فرزندان را تربیت کنند که آمادگی آنرا دارند .

و از این گذشته بسیاری از پدران بر اثر قیاس بنفس سعی می کنند فرزندان را همانا نظوری که خود تربیت یافته اند پرورش دهند ، و حال آنکه لازم است پدران توجه داشته باشند که کودک برای زمان آتی آماده میگردد ، لذا مقتضیات زمان آتی را در نظر آورده ، او را برای آینده تربیت کنند ، بدون اینکه امکانات شخصی و گذشته خود را در نظر گرفته باشند

اسلام محدود امکانات هر فردی را ناده نگرفته ، و خواسته های خود را منطبق با آنها مینماید ، و بیادیت روشن تر هر فردی بر اساس امکانات شخصی خود مکلف می باشد ، و بیش از طاقت و قدرت از کسی چیزی خواسته نشده است ، و اگر بدستور داده شده که هیچگاه تکلیف دشواری متوجه کسی نگردد ، و هر فردی به میزان استعداد خود مکلف باشد .

امام حسین علیه السلام در ضمن روایتی میفرماید : ان من المسلمین من له سهیم و منهم من له من لسهیمان و منهم من له ثلاثة اسهم فلیس ینبغی ان یحصل صاحب السهم ماعلیه صاحب السهمین و الا صاحب السهمین علی ماعلیه صاحب الثلاثة (۲) یعنی امکانات آییانی افراد متفاوت است ، آنکه قدرت کمتری دارد نباید آنچه را که فردی را در اختیار استحبابی با تحصیل کرده در خانه باید توجه داشت همانا نظوری که تحمیل عقیده زیانها را دارد آزادی چندو باری که امروزه عده ای از جوانان اجتماع ما گرفتار آن میباشند بمراتب فریاض خطرناکتر است و باید اولیاء سعی کنند در عین اینکه از تحمیلات تربیتی دور باشند گرفتار عواقب وخیم آزادی بی بندوبار نگردند .

(۱) - اصول کافی جلد دوم باب الاقتصاد فی العیاد (ص ۸۶)

(۲) - اصول کافی جلد دوم باب درجات الایمان ص ۴۱